

تأثیر «آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم ماهواره‌ای» بر «تعارض زناشویی» و «نگرش به خیانت زناشویی»

علی اکبر عجم*

چکیده

پژوهش حاضر برای بررسی تأثیر «آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم ماهواره‌ای» بر «تعارض زناشویی» و «نگرش نسبت به خیانت زناشویی» انجام شده است. از بین زنان ساکن در شهر مشهد، با استفاده از فرمول کوکران، چهارصد نفر با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی تعیین شدند. داده‌ها از راه دو مقیاس «تعارض زناشویی» کنزاس و «نگرش به خیانت زناشویی» مارک واتلی گردآوری و با آزمون‌های آماری تی مستقل، ANOVA و MANOVA تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین زنانی که سریال‌های ماهواره‌ای فارسی تماشا می‌کردند با زنانی که تماشا نمی‌کردند، در «نگرش نسبت به خیانت زناشویی»، تفاوت معناداری وجود دارد ($t = 9, p = 0/09$). بین میزان «تعارض زناشویی» آن دو گروه نیز تفاوت معناداری مشاهده شد ($f = 2, p = 0/01$). بنابراین، پیشنهاد می‌شود راهبردهایی اتخاذ شود که برنامه‌های تلویزیونی داخلی بتواند به نیازها، انتظارات و خواسته‌های افراد بیشتری از جامعه پاسخ دهد تا نهاد خانواده از استحکام بیشتری برخوردار باشد.

واژه‌های کلیدی: سریال‌های ماهواره‌ای، خیانت زناشویی، تعارض زناشویی، خانواده، تلویزیون

مقدمه

فناوری‌های جدید نقشی مهم در تسهیل و توسعه زندگی افراد بشر ایفا کرده‌اند؛ برای همین، وجود آن برای تداوم حیات انسان‌ها اجتناب‌ناپذیر است، و این در حالی است که آنها تغییرات بنیادی شدیدی در جوامع پدید آورده، پیامدهای فوری اقتصادی به دنبال داشته و یا ساختار سیاسی و اجتماعی کشورها را دگرگون کرده است. یکی از اشتغالات ذهنی بزرگ کشورهای در حال توسعه این است که چه چیزی فناوری‌های جدید ارتباطی برای آنها به ارمغان خواهد آورد؟ وفور ارتباطات، تقویت تکنولوژی‌های ارتباطی موجود و یا تقویت نیروهای نو استعماری یا وابستگی. آنچه کشورهای پیشرفته صنعتی انتقال می‌دهند، تنها تکنولوژی‌های درجه دوم یا سوم است که این خود مانعی در جهت توسعه و عاملی برای تشدید استثمار، سلطه فرهنگی و نیروهای استعماری است (هانسون و نارولا، ۱۹۹۰). یکی از این فناوری‌ها، شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای است که این فناوری ارتباطی با یک چالش فرهنگی برای حفظ هویت فرهنگی و ارزش‌های یک جامعه همراه است، اگر چنانچه به این چالش‌ها، آسیب‌ها و تهدیدهای پیام‌های رسانه‌ای نیندیشیم، می‌توان تصور کرد که هر پیامی از دنیای دیگر می‌تواند دارای ابعاد بسیار هولناکی باشد (سلطانی‌فر و ملکیان، ۱۳۸۹). افزون بر کارکرد خبرپراکنی و تکثیر اطلاعات سیاسی، تأکید برنامه‌های این شبکه‌های ماهواره‌ای بر فیلم‌ها و سریال‌های خانوادگی، زنگ خطر را به نحو جدی‌تری برای برنامه‌ریزان به صدا درآورده است. محتوای این فیلم‌ها و سریال‌ها در بدو امر، ناهمخوانی بسیاری با فرایندهای جامعه‌پذیری در جامعه ایران دارد، روابط متفاوت و متضاد با فرهنگ جامعه ایران و ایدئولوژی رسمی نظام سیاسی که در این سریال‌ها به نمایش درآمده، حساسیت به پخش و دریافت این برنامه‌ها را در جامعه بالا برده است. از این‌رو، ارزیابی از تهدیدهای شبکه‌های ماهواره‌ای از سوی مسئولان و سیاستگذاران فرهنگی در ایران شامل خطر از دست رفتن هژمونی رسانه ملی، تخریب فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اسلامی، خطر به ابتدال کشیده شدن خانواده ایرانی و طرح مسائل قبح‌شکنانه، از مهم‌ترین نگرانی‌ها و مخاطراتی است که از آنها یاد شده است (رضایی و کلانتری، ۱۳۹۰).

از آنجا که دستیابی به جامعه سالم در گرو خانواده سالم است (محمی‌الدینی و دیگران، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، نهاد خانواده، به عنوان اصلی‌ترین واحد اجتماع که دارای ابعاد ارزشی، هنجاری و رفتاری بومی خاص هر کشور و فرهنگ است، به عنوان قربانی‌های امپریالیسم رسانه‌ای و فرهنگی مطرح می‌شود، پس برنامه‌های ماهواره‌ای می‌تواند بالاترین نقش را در این فرایند داشته باشد. برنامه‌ها و فیلم‌های ماهواره‌ای حاوی محتوایی است که در آن پایبندی، وفاداری به خانواده و ارزش‌های اخلاقی امری مضحک و عوامانه به نظر می‌رسد و در مقابل، داشتن روابط آزاد جنسی، روابط متهورانه جنسی و ایجاد تردید درباره اهمیت و ارزش ازدواج، ناشی از نگاه آزاداندیشانه و مترقی به زندگی و روابط عاطفی تلقی می‌شود (روشن و خلیل‌زاده، ۱۳۹۲). با توجه به دسترسی روزافزون و نامحدود خانواده‌ها به برنامه‌های ماهواره‌ای، این نگرانی جدی وجود دارد که آنان الگوهای نامتناسب با مختصات فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی و ملی خویش برگزینند و از پیشینه و هویت تاریخی خود جدا شوند (روشن و خلیل‌زاده، ۱۳۹۲).

نتایج پژوهشی که توسط رحمان‌زاده و دیگران (۱۳۹۰)، با هدف بررسی تأثیر تماشای سریال‌های ماهواره‌ای بر سبک زندگی انجام گرفته، نشان داده است که هر اندازه تماشای سریال‌های ماهواره بیشتر می‌شود، سبک زندگی بانوان دانشجو هم مطابق با این سریال تغییر پیدا می‌کند. پژوهش دیگری توسط رضایی و دیگران (۱۳۹۰)، با هدف بررسی خوانش زنان ایرانی از سریال ماهواره‌ای ویکتوریا انجام گرفت که نشان داد تماشای این سریال نوعی اشتیاق فراوان را پدید آورد که از آن می‌توان با عنوان «پیدایش تماشاگری شیفته» نام برد. افزون بر این، تماشاگران زن این سریال، نقش ویکتوریا (قهرمان زن داستان) را مقتدر و مستقل تعبیر کرده‌اند. نمایش زن مقتدر، حس خوشایندی از تماشای این سریال را برای آنها تداعی کرد. یافته‌ها نشان داد که هم‌ذات‌پنداری، مکانیسم قدرتمندی در فرایند تماشای این سریال است. وضعیت واقعی زندگی زنان تماشاگر با متن تصویری، مقایسه و موضوع مجادله تماشاگران است. این فرایند سبب شد تا خوانشی فعالانه در قضاوت‌ها و انتظارات از نقش زنانه، براساس نمایش نقش ویکتوریا در این سریال شکل گیرد. تأهل، اشتغال و رشته تحصیلی متغیرهایی هستند که در نوع چنین خوانش‌هایی مؤثر است.

پژوهش دیگری که توسط بختیاری و دیگران (۱۳۹۱)، با هدف بررسی رابطه برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و هویت دینی جوانان انجام شد، نشان داد که رابطه بین دو متغیر معنادار است و شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی بر هویت دینی جوانان تأثیر منفی دارند.

یکی از تم‌های اصلی زندگی زنانه در ایران، مسئله خیانت است. بروز این نگرانی در جامعه، شاخصی از تحولی آرام و تدریجی یا به بیانی حادثه‌تر، انقلابی تدریجی در جامعه است (رضایی و کلانتری، ۱۳۹۰). خیانت در ازدواج به معنای بی‌وفایی و عدم تعهد به رابطه متعهدانه زوجین و برقراری هر گونه ارتباط عاطفی و جنسی با جنس مخالف خارج از تعهد مزبور است. خیانت در ازدواج عامل عمده عدم رضایت زناشویی (باگاروزی^۱ و دیگران، ۲۰۱۲)، زمینه اصلی تعارض‌ها و اختلاف‌های زناشویی (پلات^۲ و دیگران، ۲۰۰۸) و یکی از مهم‌ترین مشکلات در روابط زناشویی و مهم‌ترین دلیل طلاق و جدایی زوجین تلقی می‌شود (مومنی جاوید^۳ و دیگران، ۲۰۱۲). زن و مردی که به دلخواه خود، به طور رسمی، تشکیل خانواده داده‌اند و شرایط زناشویی را می‌پذیرند؛ هر دو موظف به قبول آن و رعایت اصل نجابت هستند، همین وظیفه است که فرزندان را در کنار والدین قرار می‌دهد و ضامن امنیت خاطر و بقای خانواده می‌شود. از این رو، هیچ آیین بشری اجازه نمی‌دهد که ارضای هوس یک نفر موجب نابودی امنیت و آسایش یک جمع شود. خیانت، سرچشمه مشکلات عاطفی و احساسی و زاینده غصه‌ها و دلواپسی‌ها است (حقانی زنجانی، ۱۳۵۱، ص ۱۵). در دین مبین اسلام هم تأکید زیادی بر عفت و پاکدامنی زنان و مردان شده است؛ در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور، زنان و مردان با ایمان به رعایت حیا و عفت در روابط اجتماعی سفارش شده‌اند تا از این راه، مانع بروز و گسترش انحرافات اخلاقی در جامعه شود. همچنین پیامبر (ص) می‌فرماید که پاکدامن باشید تا زنانتان پاکدامن باشند (کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۳۳) و امام علی (ع) می‌فرماید که زکات، زیبایی، عفت و پاکدامنی است (تصنیف غررالحکم، ص ۲۵۶) و همچنین اظهار می‌دارند که عفت و پاکدامنی برترین عبادات است (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۷۹؛ به نقل از سایت تبیان).

1. Bagarozzi, D. A.
2. Platt, R.
3. Momeni javid, M.

عفت و پاکدامنی در آموزه‌های قرآنی و روایی جایگاه ویژه و قابل توجهی دارد، قرآن کریم از این ارزش انسانی و اسلامی با عظمت خاصی یاد کرده است و یکی از ویژگی‌های مؤمنان راستین را پاکدامنی و عفت می‌داند و می‌فرماید: «آنان (مؤمنان) کسانی هستند که خویشان را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند». پیامبر گرامی (ص) می‌فرماید: «بیشترین چیزی که اتم را به دوزخ می‌برد، دو میان‌خالی است؛ یعنی شکم و فرج». بسیار بدیهی است که بیشتر گناهان به سبب خوردن و شهوات جنسی است و اگر اینها کنترل شوند، به‌ویژه شهوات جنسی، انسان‌ها نه‌تنها کمتر به گناه آلوده می‌شوند، بلکه می‌توانند به مقاماتی بالاتر از ملائکه نائل شوند (پناهی، ۱۳۹۱).

روزا^۱ و دیگران (۲۰۱۲)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که زمینه‌ها و عوامل اجتماعی و فرهنگی یکی از عوامل اصلی خیانت در ازدواج است؛ همچنین، دریگوتاس^۲ و دیگران (۱۹۹۹)، عواملی همچون رضایت هیجانی، تغییر در هنجارها، نگرش‌ها و زمینه‌های اجتماعی را از دلایل خیانت در ازدواج بیان کرده‌اند. نتایج پژوهش آلن^۳ و دیگران (۲۰۰۸)، نشان داد که کاهش سطح ارتباطات مثبت بین زن و مرد و همچنین افزایش سطح ارتباطات منفی بین آنها به‌طور معناداری باعث روی آوردن زوجین به خیانت در ازدواج می‌شود. مؤمنی جاوید و دیگران (۱۳۹۰)، پژوهشی را با هدف بررسی تأثیر روان‌درمانی زوجینی بر بهبود کیفیت زندگی زوجین آسیب‌دیده از خیانت‌های زناشویی انجام داده‌اند؛ یافته‌ها حاکی از تفاوت معنادار در متغیر کیفیت زندگی شرکت‌کنندگان بین دو مرحله قبل و بعد از مداخله بود. جلسات روان‌درمانی احتمالاً می‌توانند بر بهبود کیفیت زندگی زوجین آسیب‌دیده از خیانت‌های زناشویی تأثیرگذار باشند. یافته‌های پژوهش رفیعی و دیگران (۱۳۹۰) که با هدف بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه در زنان دارای خیانت زناشویی شهر تهران طراحی و اجرا شد، نشان داد که بین سبک دلبستگی اجتنابی و چهار طرحواره‌های حوزه (بریدگی- طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت مختل، گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و نیز بین سبک دلبستگی دوسوگرا و طرحواره‌های حوزه بریدگی طرد، خودگردانی و عملکرد مختل و

1. Ruza, I.

2. Drigotas, S. M.

3. Allen, E. S.

حوزه گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداري رابطه مثبت و معنادار يافت شد. یافته‌ها، رابطه منفی و معنادار را بين سبک دلبستگی ایمن و طرحواره‌های حوزه بریدگی طرد و خودگردانی و عملکرد مختل و حوزه گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداري نشان دادند. یافته‌های پژوهش سودانی و دیگران (۱۳۹۱) که با هدف اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت همسر انجام شد، نشان داد که زوج‌درمانی هیجان‌مدار، افسردگی و علائم استرس پس از سانحه را کاهش داده و باعث افزایش بخشودگی و صمیمیت شده است. نتایج پیگیری پس از یک ماه نشان داد که بین گروه آزمایش و شاهد در نمرات افسردگی، علائم استرس پس از سانحه، بخشش و صمیمیت تفاوت وجود دارد و اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بعد از یک ماه باقی مانده است. نتایج پژوهش فرح‌بخش و دیگران (۱۳۸۵) که با هدف بررسی میزان اثربخشی زوج‌درمانی ساخت‌یافته به شیوه واقعیت‌درمانی گلاسر بر کاهش علائم و نشانه‌های روان‌شناختی ناشی از ضربه خیانت به همسر انجام شده بود، نشان داد که استفاده از برقراری ارتباط عاطفی، تشویق زوجین به قضاوت و ارزیابی رفتار خود در تعامل با همسر، با استفاده از پنج سؤال اساسی و دایره مشکل‌گشا که فنون زوج‌درمانی در نظریه مذکور است، می‌تواند مشکلات روان‌شناختی ناشی از ضربه خیانت همسر را کاهش دهد و موجب افزایش روابط محبت‌آمیز و صمیمانه زوج‌ها با یکدیگر شود. همان‌طوری که بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که بیشتر این پژوهش‌ها بر درمان و کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت متمرکز شده و به بررسی علل و عوامل مؤثر بر خیانت زناشویی زوجین توجه نشده است.

با توجه به هدف این پژوهش که بررسی نقش تماشای سریال‌های ماهواره‌ای بر تعارض زناشویی می‌باشد، متغیر دیگر مورد بررسی تعارض زناشویی است، تعارض در زندگی زناشویی می‌تواند بنیان‌های خانواده را سست کند و مقدمات طلاق و جدایی در زوجین را فراهم آورد. تعارض زناشویی^۱ نوعی فقدان توافق مداوم و معنادار بین دو همسر است که یکی از زوجین، آن را گزارش می‌کند. منظور از معنادار بودن، تأثیر این مسئله بر عملکرد همسران و منظور از مداوم، اشاره به اختلافاتی است که به مرور زمان از بین نمی‌روند (هالفورد^۲، ۲۰۰۱). تعارض بین اعضای خانواده به وحدت و

1. marital conflict
2. Halford, W. K.

یکپارچگی آن ضربه می‌زند. شدت تعارض موجب بروز نفاق، پرخاشگری، ستیزه‌جویی و سرانجام اضمحلال و زوال خانواده می‌شود. کانون خانواده‌ای که بر اثر تعارض، نفاق و جدال بین زن و شوهر آشفته است، آثار مخربی در حیات کودکی فرزندان و خانواده برجای می‌گذارد که در سال‌های آتی به صورت عصیان و سرکشی از مقررات اجتماعی بروز می‌کند (کیوچنگ^۱، ۱۹۹۶). افزایش تعارض در ارتباط‌های زوجی، پیامدهایی مثل اختلالات اضطرابی (داس^۲ و دیگران، ۲۰۰۴)، افسردگی (کوین^۳ و دیگران، ۲۰۰۲)، ناسازگاری و پرخاشگری کودکان و نوجوانان (جرارد^۴ و دیگران، ۲۰۰۳) و بیماری‌های فیزیکی مثل ناراحتی‌های قلبی (سالز^۵ و دیگران، ۲۰۰۵) را دربردارند. این ارتباطات مخرب یا تعاملات منفی بین زوجین منجر به کاهش رضایت در رابطه و افزایش احتمال طلاق می‌شوند (آماتو^۶ و دیگران، ۲۰۰۷). منبع تعارض زناشویی طبق نظر پاترسون^۷ و دیگران (۱۹۷۵)، می‌تواند ناشی از زمینه‌های اجتماعی که دربرگیرنده تغییر روابط افراد به دلایل مختلف، از جمله تغییر در دانش، نگرش و بینش‌های کسب‌شده از راه‌های مختلف و تغییرات اجتماعی باشد و یا تفاوت‌های ادراکی ایجاد شده در زوجین که شامل متفاوت دیدن موقعیت برای شروع و ادامه زندگی از زوجین می‌باشد که این تفاوت‌های ادراکی ایجاد شده ناشی از یادگیری‌ها و آموزش‌هایی است که به‌طور خواسته و یا ناخواسته، فرد درک و دریافت می‌کند (منصور، ۱۳۸۳).

نتایج پژوهش کامینگز^۸ و دیگران (۲۰۰۲)، نشان داد که تعارض زناشویی باعث می‌شود که رشد اجتماعی، شناختی، هیجانی و فیزیولوژیکی کودکان دچار آسیب شود. پژوهش بیردیت^۹ و دیگران (۲۰۱۰)، نشان داد که رفتارهای مخرب و الگوهای رفتاری بین زوجین، یعنی قهر کردن، ترک خانه و تعارض زوجین در سال‌های اول زندگی، بیشترین پیش‌بینی‌کننده میزان طلاق آنهاست. چوی^{۱۰} و دیگران (۲۰۱۳)، پژوهشی با

-
1. Kew-Cheung
 2. Doss, B.
 3. Coyne, J.
 4. Gerard, J. A.
 5. Suls, J.
 6. Amato, P. R.
 7. Paterson
 8. Cummings, E. M.
 9. Birditt, K. S.
 10. Choi, H.

هدف بررسی کیفیت زناشویی و ارتباط آن با وضعیت اقتصادی اجتماعی و سلامت فیزیکی انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که افزایش شادی و شادمانی زناشویی با افزایش سلامت و تعلیم و تربیت آنها همراه است و افزایش تعارض زناشویی همراه با اختلال عملکردی افرادی است که درآمد پایینی دارند. یو^۱ و دیگران (۲۰۱۰)، در پژوهشی به بررسی تأثیرات متقابل تعارض زناشویی و طلاق بر ارتباطات والدین با فرزندان و تفاوت‌های جنسیتی در این ارتباطات پرداختند، یافته‌های پژوهشی آنها نشان داد که هم تعارض زناشویی و هم طلاق موجب شود که ارتباطات بسیار ضعیف و محدودی بین والدین و فرزندان شکل گیرد.

هانینگتون^۲ و دیگران (۲۰۱۱)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تعارض والدین و افسردگی آنها، تأثیرات منفی و مخربی بر روی نوزادان و کودکان می‌گذارد. نتایج پژوهش پارک^۳ و دیگران (۲۰۱۴)، نشان داد که تعارض مداوم زوجین باعث افزایش فشار روانی و استرس شدید در بین هر دو زوج می‌شود. یافته‌های پژوهش خسروی و دیگران (۱۳۹۰)، نشان داد که میان سبک‌های دلبستگی، تعارضات زناشویی و بخشش رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ همچنین، میزان تعارضات زناشویی در زوج‌هایی که سبک دلبستگی هر دوی آنها ایمن است، کمتر و میزان بخشش در آنها بیشتر از زوج‌هایی است که سبک‌های دلبستگی هر دوی آنها نایمن و یا سبک دلبستگی یکی از آنها ایمن و دیگری نایمن است. در نهایت، زوج‌های بدون تعارض نسبت به زوج‌های دارای تعارضات زناشویی یکدیگر را بیشتر می‌بخشند.

همچنین، نتایج پژوهش بخشی‌پور و دیگران (۱۳۹۱)، نشان داد که از بین متغیرهای پیش‌بین، عملکرد کلی، حل مشکل، نقش‌ها، همراهی عاطفی و آمیزش عاطفی با متغیرهای ملاک رابطه معناداری دارند. علاوه بر این، نتایج انجام شده با نرم افزار SAS نشان داد که در ایجاد اولین همبستگی بنیادی عملکرد کلی از متغیرهای پیش‌بین و افزایش واکنش‌های هیجانی از متغیرهای ملاک بیشترین نقش را دارند. یافته‌های پژوهش عنایت و دیگران (۱۳۹۱) هم نشان داد که بین متغیر کل تعارض زناشویی با خشونت والدین نسبت به دختران رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، بین ابعاد

1. Yu, T.

2. Hanington, L.

3. Park, M.

تعارض زناشویی (کاهش همکاری زوجین، افزایش واکنش‌های هیجانی، جلب حمایت فرزندان، رابطه با خویشاوندان و دوستان همسر) با خشونت والدین به دختران همبستگی معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش کرمی و دیگران (۱۳۹۱) نشان داد که بین مهارت‌های خودآگاهی، ارتباط انسانی و روابط بین‌فردی و افسردگی و اضطراب همبستگی منفی معناداری وجود دارد و بین تعارضات زناشویی با استرس، افسردگی و اضطراب رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

با توجه به این امر که خانواده اولین و مهم‌ترین نظام ارتباطی برای هر فردی به شمار می‌رود و زمینه و بستر مناسبی برای ایجاد سلامت جامعه است (شکوهی‌یکتا و دیگران، ۱۳۹۱) و با نظر به آثار و پیامدهای مختلفی که تعارض زناشویی و خیانت در ازدواج بر زندگی خانوادگی دارد و در نتایج پژوهش‌های مختلف به آن اشاره شد، در این پژوهش به بررسی یکی از علل و عوامل ایجادکننده این موارد در خانواده پرداخته شده است. به عبارت دیگر، مسئله اصلی این پژوهش این است که آیا تماشای سریال‌های ماهواره‌ای بر تعارض زناشویی و نگرش نسبت به خیانت در ازدواج نقش دارد؟

روش

این تحقیق از نظر ماهیت، از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی و از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام زنان ساکن در شهر مشهد بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، چهارصد نفر تعیین شد. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شد. از آنجا که شرط عضویت افراد در نمونه دارا بودن تجهیزات ماهواره‌ای در منزل و تماشای سریال‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان بود و با توجه به عدم وجود چهارچوب نمونه‌گیری (فهرست واجدان دو شرط) در این پژوهش، برای انتخاب جمعیت نمونه از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شد. هنگامی از این نمونه‌گیری استفاده می‌شود، چهارچوبی برای نمونه‌گیری وجود ندارد. همچنین، این روش نمونه‌گیری برای پژوهش درباره گروه‌هایی از جامعه کاربرد دارد که به فعالیت‌هایی اشتغال دارند که برحسب شرایط جامعه غیرقانونی باشد و بنابراین، به دلیل شرایط خاص

اجتماعی، امکان دسترسی مستقیم به آنها وجود ندارد. براساس این شیوه نمونه‌گیری، پژوهشگر از راه ایجاد ارتباطات شخصی با کسانی که علاقه‌مند به انجام مصاحبه یا پرکردن پرسشنامه هستند، از آنها درخواست می‌کند که اگر اشخاص دیگری را می‌شناسند که دارای ویژگی‌های مورد نظر پژوهش و مایل به انجام مصاحبه هستند، معرفی کنند. انتخاب به شیوه گلوله‌برفی از راه افراد آشنا تا حد زیادی به ایجاد اعتماد اولیه کمک می‌کند.

ابزار پژوهش

مقیاس تعارض زناشویی کنزاس^۱ که در سال ۱۹۸۵ توسط موگسلی، اگمن و شام^۲ برای سنجش میزان تعارضات زناشویی ساخته شد. این مقیاس، سه قسمتی است که برای سنجش میزان تعارضات زناشویی طرح شده است؛ مرحله اول، یازده عبارت؛ مرحله دوم، پنج عبارت و مرحله سوم، یازده عبارت دارد که در مجموع شامل ۲۷ عبارت است. مقیاس بر پایه تحقیقات مشاهده‌ای است که نشان می‌دهد زوج‌های مضطرب و غیرمضطرب در سه مرحله تعارضات زناشویی متفاوت هستند که شامل برنامه‌ریزی، بحث، مجادله و مذاکره است. پایایی این مقیاس برای مردان در دامنه آلفای بین ۰/۹۱ و ۰/۹۵ و برای زنان بین ۰/۸۸ و ۰/۹۵ است. همبستگی حاصل از روش بازآزمایی در هر سه مرحله بین ۰/۶۴ تا ۰/۹۶ بوده است (کورکوران و فیشر^۳، ۲۰۰۰). پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر براساس ضریب آلفای کرونباخ $I = 0/93$ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مناسب پرسشنامه است.

مقیاس نگرش به خیانت زناشویی توسط مارک واتلی^۴ تهیه شده است. این مقیاس دارای دوازده عبارت است که هر سؤال در طیف هفت‌گانه، از بسیار موافق تا بسیار مخالف است (واتلی، ۲۰۰۶). عبارت‌ها شامل جملاتی راجع به احساسات منفی و مثبت نسبت به مقوله خیانت است و هدف از این سنجش، نوع احساسات و تفکر افراد نسبت به مسائل مربوط به خیانت زناشویی است و در واقع، این مقیاس مقدار تمایل،

1. Kensas marital conflict scale
 2. Moxley, Eggeman, schum
 3. Corcoran, K. & fischer, J.
 4. Whathley, M.

میزان پذیرندگی و یا ردکنندگی خیانت را از دید افراد مختلف می‌سنجد. در ایران این مقیاس توسط عبداله‌زاده (۱۳۸۹)، در بین ۳۸۳ نفر از زنان و مردان ساکن شهرهای علی‌آباد و بهشهر که به‌صورت تصادفی انتخاب شده بودند، اجرا شد و آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به‌دست آمده است (عبداله‌زاده، ۱۳۸۹). پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر براساس ضریب آلفای کرونباخ $r = 0/89$ به‌دست آمد.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها: برای تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها، از نرم‌افزار آماری spss 16 استفاده و براساس سؤالات پژوهش در سطح آمار استنباطی از آزمون تی مستقل، آزمون تجزیه و تحلیل واریانس (آنوا) و تجزیه و تحلیل واریانس چندمتغیری (مانوا) برای سنجش سؤال‌های پژوهش استفاده شد.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد شرکت‌کننده در پژوهش در جدول زیر آمده است.

جدول ۱: اطلاعات توصیفی نمونه

وضعیت اشتغال		مدرک تحصیلی			سن	
بیکار	شاغل	فوق لیسانس	لیسانس	دیپلم	حداکثر	حداقل
۳۶۲	۳۸	۸۰	۵۵	۲۶۵	۴۸	۲۲

میانگین سن افراد نمونه ۳۳/۴۲ بود که نود درصد آنان بیکار بودند و ۶۶ درصد آنان مدرک تحصیلی دیپلم داشتند.

۱. آیا تماشای سریال‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان بر نگرش نسبت به خیانت زناشویی نقش دارد؟

برای بررسی تفاوت نگرش نسبت به خیانت زناشویی زنانی که سریال ماهواره‌ای تماشا می‌کردند، با کسانی که ماهواره نداشتند، از آزمون معنادار بودن تی مستقل استفاده شد.

جدول ۲. نتایج آزمون تی استودنت برای معنادار بودن تفاوت نگرش نسبت به خیانت زناشویی در زنان با تماشای سریال‌های ماهواره‌ای و عدم تماشا

t	سطح معناداری	درجات آزادی	انحراف معیار	میانگین	تعداد افراد	سریال‌های ماهواره‌ای
۹/۵۹	۰/۰۰۰	۳۹۸	۱۰/۹۲ ۱۲/۶۳	۴۹/۸۶ ۳۱/۵۳	۲۰۰ ۲۰۰	تماشا عدم تماشا

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲، در سطح آلفا ۰/۰۱، t محاسبه شده $t = 9/59$ می‌باشد؛ بنابراین بین نگرش نسبت به خیانت زناشویی زنانی که سریال ماهواره‌های فارسی‌زبان تماشا می‌کردند، با زنانی که سریال‌های ماهواره‌ای تماشا نمی‌کردند، تفاوت معناداری مشاهده شد؛ بنابراین، زنانی که سریال‌های ماهواره‌ای تماشا می‌کردند، تمایل و پذیرش آنان نسبت به خیانت زناشویی بیشتر بوده است و خیانت زناشویی را امری پذیرفتنی و طبیعی تلقی می‌کردند.

۲. آیا نگرش نسبت به خیانت زناشویی با توجه به سطح تحصیلات متفاوت است؟ برای بررسی تفاوت نگرش نسبت به خیانت زناشویی زنان از لحاظ مدرک تحصیلی از آزمون تحلیل واریانس یک راهه (آنوا) استفاده شد.

جدول ۳: نتایج آزمون تجزیه تحلیل واریانس یک راهه

برای بررسی تفاوت نسبت به خیانت زناشویی زنان با توجه به مدرک تحصیلی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروهی	۵۶۷/۶۱۳	۲	۲۸۳/۸	۱/۶۶	۰/۱۹
درون گروهی	۶۷۷۵۱/۷۸	۳۹۷	۱۷۰/۶۵		
جمع	۶۸۳۱۹/۳۹	۳۹۹			

همان‌طوری که در جدول فوق مشاهده می‌شود، بین نگرش نسبت به خیانت زناشویی زنان با توجه به مدرک تحصیلی تفاوت معناداری مشاهده نشد.

۳. آیا تماشای سریال‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان بر تعارض زناشویی زنان نقش

داشته است؟

برای بررسی تفاوت مؤلفه‌های تعارض زناشویی زنان، با توجه به تماشا و عدم تماشا سریال‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان، از تجزیه و تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. نتایج آزمون باکس^۱ برای برابری همگنی واریانس‌ها معنادار نبود (۰/۴۸، $f=۰/۹۲۱$ ، $sig=$ ؛ بنابراین، واریانس گروه‌ها برابر بود.

جدول ۴. نتایج آزمون مانوا برای بررسی تفاوت تعارض زناشویی زنان با توجه به تماشا و عدم تماشا
سریال‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان

اثر	ارزش	f	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	اتای سهمی
ماهواره آزمون اثر پیلائی ^۲	۰/۶۶۵	۲/۶۲۲	۳	۳۹۶	۰/۰۰۰	۰/۶۶۵
آزمون لامبدای ویلکز ^۳	۰/۳۳۵	۲/۶۲۳	۳	۳۹۶	۰/۰۰۰	۰/۶۶۵

نتایج جدول فوق نشان داد که آزمون اثر پیلائی و آزمون لامبدای ویلکز معنادار بود و بین میزان تعارض زناشویی زنانی که سریال‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان تماشا می‌کردند با زنانی که ماهواره نداشتند، تفاوت معناداری مشاهده شد.

جدول ۵. نتایج آزمون تعقیبی برای بررسی تفاوت مؤلفه‌های تعارض زناشویی زنان با توجه به تماشا و عدم تماشا و سریال‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان

منبع	تعارض زناشویی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	f	سطح معناداری
تماشا یا عدم تماشا	برنامه‌سازی	۱۰۰۱۰/۰۰۳	۱	۱۰۰۱۰/۰۰۳	۶۹۳/۳۵	۰/۰۰۰
سریال‌های ماهواره‌ای	بحث و مجادله	۵۹۰/۴۹	۱	۵۹۰/۴۹	۱۰۷/۸۲	۰/۰۰۰
	مذاکره	۶۶۷۴/۸۹	۱	۶۶۷۴/۸۹	۴۳۶/۰۸	۰/۰۰۰
خطا	برنامه‌سازی	۵۷۴۵/۹۷	۳۹۸	۱۴/۴۳		
	بحث و مجادله	۲۱۷۹/۶۷	۳۹۸	۵/۴۷		
	مذاکره	۶۰۹۱/۹۵	۳۹۸	۱۵/۳۰		

1. Box's test
2. Pillai's trace
3. Wilks' Lambda

با استفاده از آزمون تعقیبی، تحلیل هر یک از متغیرهای وابسته به تنهایی، با استفاده از آلفای میزان شده بنفرونی (۰/۰۱۶) بررسی شد، نتایج جدول شماره (۴)، نشان داد که در بررسی متغیرهای وابسته به تفکیک، تفاوت معناداری بین مؤلفه‌های تعارض زناشویی زنانی که سریال‌های ماهواره‌ای فارسی زبان را تماشا می‌کنند با زنانی که ماهواره تماشا نمی‌کنند، مشاهده شد؛ بنابراین، تعارض زناشویی زنانی که سریال‌های ماهواره‌ای فارسی زبان تماشا می‌کردند؛ در هر سه مؤلفه یعنی برنامه‌سازی، بحث و مجادله، مذاکره بیشتر از زنانی بود که سریال‌های ماهواره‌ای را تماشا نمی‌کردند.

۴. آیا بین تعارض زناشویی زنان شاغل و بیکار تفاوت وجود دارد؟

برای بررسی تفاوت مؤلفه‌های تعارض زناشویی زنان با توجه به وضعیت اشتغال آنان، از تجزیه و تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. نتایج آزمون باکس برای برابری همگنی واریانس‌ها معنادار نبود ($f=0/782$ ، $sig=0/78$)؛ بنابراین، واریانس گروه‌ها برابر بود.

جدول ۶. نتایج آزمون مانوا برای بررسی تفاوت تعارض زناشویی زنان شاغل و بیکار

اثر	ارزش	f	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	اتای سهمی
وضعیت اشتغال آزمون اثر	۰/۱۴۸	۲۲/۹۶	۳	۳۹۶	۰/۰۰۰	۰/۱۴۸
آزمون لامبدا	۰/۸۵۲	۲۲/۹۶	۳	۳۹۶	۰/۰۰۰	۰/۱۴۸

نتایج جدول فوق، نشان داد که آزمون اثر پیلایی و آزمون لامبدا ویلکز معنادار بود و بین میزان تعارض زناشویی زنان شاغل و بیکار تفاوت معناداری مشاهده شد.

جدول ۷. نتایج آزمون تعقیبی برای بررسی تفاوت مؤلفه‌های تعارض زناشویی زنان شاغل و بیکار

منبع	تعارض زناشویی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	f	سطح معناداری
وضعیت اشتغال	برنامه‌سازی	۹۲۸/۷۳	۱	۹۲۸/۷۳	۲۴/۹۲	۰/۰۰۰
	بحث و مجادله	۶۸/۹۰	۱	۶۸/۹۰	۱۰/۱۵	۰/۰۰۲
	مذاکره	۱۶۱۵/۹۷	۱	۱۶۱۵/۹۷	۵۷/۶۷	۰/۰۰۰

	۳۷/۲۵	۳۹۸	۱۴۸۲۷/۲۴	برنامه‌سازی	
خطا	۶/۷۸	۳۹۸	۲۷۰۱/۲۵	بحث و مجادله	
	۲۸/۰۱	۳۹۸	۱۱۱۵۰/۸۶	مذاکره	

با استفاده از آزمون تعقیبی، تحلیل هر یک از متغیرهای وابسته به تنهایی، با استفاده از آلفای میزان شده بنفرونی (۰/۰۱۶) بررسی شد، نتایج جدول شماره (۶) نشان داد که در بررسی متغیرهای وابسته به تفکیک، تفاوت معناداری بین مؤلفه‌های تعارض زناشویی زنان شاغل و بیکار مشاهده شد و تعارض زناشویی زنان شاغل به‌طور معناداری از میزان تعارض زناشویی زنان خانه‌دار بیشتر بود.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش تماشای سریال‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان بر نگرش نسبت به خیانت و تعارض زناشویی انجام شد. بخشی از یافته‌های پژوهش نشان داد که بین نگرش نسبت به خیانت زناشویی زنان با توجه به مدرک تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد؛ همچنین، تفاوت معناداری بین مؤلفه‌های تعارض زناشویی زنان شاغل و بیکار مشاهده شد و تعارض زناشویی زنان شاغل به‌طور معناداری از میزان تعارض زناشویی زنان خانه‌دار بیشتر بود. یافته‌های این پژوهش همسو با یافته‌های پژوهش جان^۱ (۲۰۰۲) است، وی در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار از سلامت زناشویی کمتری برخوردارند، همان‌طوری که یانگ^۲ و دیگران (۱۹۹۷)، شانرمن - کروک^۳ (۲۰۰۱) و گلدنبرگ^۴ و دیگران (۱۹۹۸) اظهار می‌دارند که زنان شاغل تعارض درون‌فردی و بین‌فردی بیشتری را تجربه می‌کنند.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بین نگرش نسبت به خیانت زناشویی زنانی که سریال ماهواره‌ای فارسی‌زبان تماشا می‌کردند با زنانی که سریال‌های ماهواره‌ای تماشا نمی‌کردند، تفاوت معناداری مشاهده شد؛ بنابراین، زنانی که سریال‌های ماهواره‌ای تماشا می‌کردند، تمایل و پذیرش آنان نسبت به خیانت زناشویی بیشتر بوده است و

1. John, S. P.
2. Young, M. E.
3. Schunrman-Crook, A. M.
4. Goldenberg, H.

خیانت زناشویی را امری پذیرفتنی و طبیعی تلقی می‌کردند. یافته‌های این پژوهش همسو با یافته‌های پژوهش امیری و دیگران (۱۳۹۰) است که آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کسانی که از رسانه‌های ماهواره استفاده می‌کنند، نسبت به کسانی که از این رسانه بهره‌گیری نمی‌کنند، گرایش بیشتری به آسیب‌های اجتماعی دارند. همان‌طوری که سورین و تانکار (۱۳۸۴) اظهار می‌دارند، توجه رسانه‌های ارتباط‌جمعی به موضوعی موجب می‌شود که اهمیت آن از نظر عموم مردم افزایش یابد، تمرکز رسانه‌ها بر تعداد خاصی از مسائل و موضوعات باعث می‌شود تا آن مسائل و موضوعات در نزد مخاطبان مهم جلوه کند و در اولویت قرار گیرد، همان‌طور که کوهن در سال ۱۹۶۸ اظهار داشت رسانه‌ها به مردم نمی‌گویند چه فکر کنند، بلکه می‌گویند به چه چیزی فکر کنند (سورین و تانکار، ۱۳۸۴). با توجه به اینکه تمرکز اصلی در سریال‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان بر محور خیانت زوجین می‌چرخد و تعهد و پابندی به ازدواج و زندگی خانوادگی بسیار کم‌رنگ جلوه داده می‌شود؛ بدیهی است که به‌طور غیرمستقیم و پنهانی ارزش‌های ایرانی اسلامی رنگ می‌بازد و گرایش و نگرش به فرهنگ موهم مطرح‌شده در سریال‌های ماهواره‌ای در افراد خانواده ایرانی شکل می‌گیرد. همان‌طور که نتایج پژوهش سلطانی‌فر و دیگران (۱۳۸۹) نشان دادند، وجوه منفی فرهنگی در این سریال‌ها به دلیل سبک زندگی غربی بسیار زیاد است، زیرا فروپاشی خانواده به دلایل گوناگون در سریال‌های ماهواره‌ای به‌وضوح دیده می‌شود. همچنین، در دین مبین اسلام، از خیانت به‌عنوان عملی بسیار ناپسند و زشت یاد شده است، در مورد خیانت در سوره مبارکه انفال آیه ۲۷ آمده است: «ای اهل ایمان! (در کار دین) با خدا و رسول خیانت نکنید و (در کار دنیا) با یکدیگر، در صورتی که زشتی خیانت را می‌دانید»، این امر ناشی از اهمیتی است که دین اسلام بر استحکام بنیاد خانواده دارد، چون خیانت زناشویی تأثیر بسیار مخربی بر روابط زناشویی، ارتباطات فرد با دیگران (والدین، دوستان) و از همه مهم‌تر بر فرزندان می‌گذارد (زندپور، ۱۳۸۹).

همچنین، تفاوت معناداری بین مؤلفه‌های تعارض زناشویی زنانی که سریال‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان را تماشا می‌کنند با زنانی که ماهواره تماشا نمی‌کنند، مشاهده شد. بنابراین، تعارض زناشویی زنانی که سریال‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان تماشا

می‌کردند، در هر سه مؤلفه یعنی برنامه‌سازی، بحث و مجادله، مذاکره بیشتر از زنانی بود که سریال‌های ماهواره‌ای را تماشا نمی‌کردند. همان‌طور که امیری و دیگران (۱۳۹۰) اظهار داشتند، شبکه‌های ماهواره عمدتاً به تلقین ارزش‌ها و هنجارهایی می‌پردازند که براساس فرهنگ دینی و ایرانی کشورمان نیست؛ برای مثال، برنامه‌هایی که در شبکه فارسی وان پخش می‌شود، بیشتر حول چند موضوع کلیشه‌ای خاص، از جمله بهنجارسازی روابط آزاد زن و مرد و بی‌تفاوتی نسبت به تعهدات خانوادگی می‌پردازد. همان‌طور که نتایج پژوهش‌های متانی و دیگران (۱۳۹۲) و مک‌کوایل (۱۳۸۰)، نشان داد که زنان ساعات زیادی از وقت خود را صرف تماشای سریال‌ها می‌کنند و جذب این‌گونه برنامه‌ها می‌شوند تا جایی که از ارتباطات اجتماعی خود با دیگران کاسته و روابط خود را با اعضای خانواده به حداقل می‌رسانند. با توجه به این اظهارات، زنانی که سریال‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان را تماشا می‌کنند، به‌طور ناخودآگاه شیفته فرهنگ و ارزش‌های غربی مسلط در سریال‌ها می‌شوند؛ بنابراین، نگرش، تفکر و نوع نگاهشان به زندگی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و بالطبع با این تغییرات ایجاد شده در آنها، تعارضات زناشویی می‌تواند پیامد طبیعی تماشای سریال‌های مذکور باشد.

به دلیل اینکه کشورهای غربی و سرمایه‌داری، به‌طور انحصاری شبکه‌های ماهواره‌ای مختلفی را در اختیار دارند و انتقال فرهنگ و ارزش‌های خودشان را در سرلوحه اقدامات اساسی‌شان قرار دادند؛ بنابراین، از این راه موجب تضعیف فرهنگ، ارزش‌های بومی و هنجارگریزی فرهنگی در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه می‌شوند و موجب تضعیف هویت ملی، کاهش رعایت شعائر مذهبی و در نتیجه، از هم‌پاشیدگی کانون خانواده می‌شود که عنصر اصلی و اساسی در استحکام، قوام و پایداری هر جامعه‌ای است. بنابراین، برای کاهش خطر استفاده از ماهواره برای خانواده‌های ایرانی لازم است تدابیر و سیاست‌های مختلفی در سطح جامعه اتخاذ شود تا آثار منفی استفاده از آن به حداقل کاهش یابد. از جمله تدابیری که در این زمینه می‌توان پیشنهاد داد، افزایش سواد رسانه‌ای مردم، افزایش آگاهی عمومی مردم در زمینه آثار استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای، آگاهی دادن به خانواده‌ها و جوانان این مرز و بوم به راه‌های مختلف، طراحی و تولید برنامه‌های متنوع، جذاب و سرگرم‌کننده توسط رسانه ملی و سایر نهادهای دست‌اندرکار تولید فیلم و سریال، به‌گونه‌ای که برنامه‌های

تولیدی داخل بتواند با نیازها، علایق، انتظارات و خواسته‌های متفاوت خانواده‌های ایرانی سازگار باشد و مخاطبان بیشتری را جذب شبکه‌های تلویزیونی داخلی نماید، همچنین، مطالب و موضوعات اجتماعی، سیاسی و مذهبی در قالب‌های جذاب، تفریحی و نمایشی به مخاطبان ارائه شود تا بر کمیت و کیفیت جذب مخاطب توسط رسانه‌های داخلی افزوده شود و موضوعات و مباحث پایه و اساسی اجتماعی و مذهبی تنها در قالب سخنرانی خشک و بحث و گفتگوی رسمی از راه رسانه ملی دنبال نشود، بلکه بر جذابیت این برنامه‌ها به راه‌های گوناگون (یعنی در قالب سریال‌ها، مسابقات و سرگرمی‌های جذاب و مفهومی، با محور قرار دادن خانواده و ارزش‌های اصیل اسلامی ایرانی) افزوده شود و شکل و نحوه ارائه موضوعات اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و سیاسی از تنوع و گوناگونی بسیار بالایی برخوردار شود تا مطابق با نیازها، انتظارات و خواسته‌های گستره وسیعی از افراد جامعه ایرانی باشد و از این راه، رسانه‌ها و سایر سازمان‌های تأثیرگذار با ارائه آموزش‌های لازم، خانواده‌ها را در جهت هدایت به سمت زندگی سالم و به دور از اختلافات و تنش‌یاری رسانند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که نمونه مورد بررسی محدود به زنان بود و تنها قابلیت تعمیم نتایج متمرکز و متوجه زنان شد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران در آینده نقش این متغیرها را در بین مردان هم بررسی کنند و همچنین، آنها به بررسی نقش تماشای سریال‌های ماهواره‌ای بر متغیرهایی همچون معنویت، نگرش مذهبی و انگیزش تحصیلی بپردازند. به علاوه، در زمینه نقش تماشای سریال‌های ماهواره‌ای بر ابعاد مختلف تربیتی فرزندان پژوهش‌های مختلفی انجام شود.

منابع

- امیری، عبدالرضا و نوری مرادآبادی، یونس و بساطیان، سیدمحمد (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و گرایش بهره‌برداران به آسیب‌های اجتماعی در بین جوانان شهر کرج»، فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، س ۴، ش ۴، ص ۱۱۷-۱۴۲.
- بختیاری، حسن و فرخی، حسن (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و هویت دینی جوانان»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، س ۲۰، ش ۱۵، ص ۵۵-۷۲.
- بخشی پور، باب اله و اسدی، مسعود و کیانی، احمدرضا و شیرعلی پور، اصغر و احمد دوست، حسین (۱۳۹۱)، «رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، س ۱۳، ش ۲، ص ۱۱-۲۱.
- پناهی، علی‌احمد (۱۳۹۱)، دو اصل اخلاقی شاخص در روابط همسران (حسن معاشرت و پاکدامنی همسران)، معرفت اخلاقی، س ۳، ش ۳، ص ۷۳-۹۱.
- رحمان‌زاده، سیدعلی و طهماسبی، زهره (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر تماشای سریال‌های ماهواره‌ای بر سبک زندگی بانوان دانشجوی»، مطالعات رسانه‌ای، س ۲، ش ۱۴، ص ۱-۱۶.
- رضایی، محمد و کلاتری، مونا (۱۳۹۰)، «خوانش مخاطبان سریال‌های شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی وان: مورد تماشای ویکتوریا»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۳، ش ۲، ص ۵-۲۴.
- رفیعی، سحر و حاتمی، ابوالفضل و فروغی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، «رابطه بین طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی»، جامعه‌شناسی زنان (زن و جامعه)، س ۲، ش ۱، ص ۲۱-۳۶.
- روشن، محمد و خلیل‌زاده، محمد مهدی (۱۳۹۲)، «حقوق خانواده در برابر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، س ۹، ش ۴، ص ۵۰۷-۵۲۳.
- زندپور، طیبه و شفیع‌نیا، اعظم و حسینی، فاطمه (۱۳۸۹)، «جایگاه بخشش در فرایند سازگاری با خیانت همسر و اندیشه‌های اسلامی»، فصلنامه فرهنگ مشاوره، دوره جدید، س ۱، ش ۳، ص ۱۰۱-۱۲۳.
- سلطانی‌فر، محمد و ملکیان نازنین (۱۳۸۹)، «تحلیل برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای ام. بی. سی. فارسی به منظور دستیابی به فرهنگ و تکنیک‌های ارتباطی به کار گرفته شده در انتقال پیام»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، س ۳، ش ۹، ص ۶۹-۸۷.

سورین، و. و تانکارد، ج. (۱۳۸۴)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سودانی، منصور و کریمی، جواد و مهربابی‌زاده هنرمند، مهناز و نیسی، عبدالکاسم (۱۳۹۱)، «اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت همسر»، تحقیقات علوم رفتاری، س ۱۰، ش ۴، ص ۲۵۸-۲۶۸.

شکوهی یکتا، محسن و اکبری زردخانه، سعید و پرند، اکرم و پوران، فاطمه (۱۳۹۱)، «ارتقای تعامل والدین و فرزندان با استفاده از آموزش روش‌های نوین

فرزندپروری»، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، س ۲، ش ۱۰، ص ۱-۱۴.

فرح‌بخش، کیومرث و قنبری هاشم آبادی، بهرامعلی (۱۳۸۵)، «بررسی میزان اثربخشی زوج‌درمانی گلاسر بر کاهش استرس و افزایش رابطه صمیمانه پس از ضربه ناشی از ادراک خیانت به همسر»، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، س ۷، ش ۲، ص ۱۷۳-۱۹۰. عبدالله‌زاده، حسن (۱۳۸۹)، معرفی مقیاس نگرش به خیانت مارک واتلی، تهران: مؤسسه آزمون‌یار پویا.

عنایت، حلیمه و یعقوبی دوست، محمود (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین تعارض زناشویی با خشونت خانوادگی نسبت به دختران»، جامعه‌شناسی زنان (زن و جامعه)، س ۳، ش ۳، ص ۱-۲۹.

کرمی، جهانگیر و زکی‌بی، علی و علیخانی، مصطفی و خدادادی، کامران (۱۳۹۱)، «رابطه مهارت‌های زندگی و تعارضات زناشویی با بهداشت روانی در زوجین»، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، س ۱، ش ۴، ص ۴۶۱-۴۷۲.

حقانی زنجانی، حسین (۱۳۵۱)، «حقوق خانواده در اسلام: خیانت به همسر چگونه و در چه صورتی است؟»، درس‌هایی از مکتب اسلام، س ۱۳، ش ۱۱، ص ۱۵-۱۶.

خسروی، زهره و بلیاد، محمدرضا و ناهیدپور، فرزانه و آزادی، شهذخت (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی در زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرج»، جامعه‌شناسی زنان (زن و جامعه)، س ۲، ش ۳، ص ۶۱-۷۹.

متانی، مهرداد و حسن‌زاده، رمضان و فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، «نگرش مخاطبان قائم شهری به شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای»،؟؟؟، س ۱۴، ش ۲۱، ص ۱۲۹-۱۵۶.

مک‌کویل، دنیس (۱۳۸۲)، درآمدی بر نظریه‌های ارتباطات، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

محمی‌الدینی، حمید و صادقی، زهرا و چراغی، ساناز و زارع، رحمان (۱۳۹۲)، «اثربخشی گروه‌درمانی شناختی رفتاری بر بهبود فرایند خانواده در خانواده‌های افراد معتاد»، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، س ۳، ش ۱۲، ص ۹-۱.

منصور، لادن و ادیب راد، نسترن (۱۳۸۳)، «مقایسه بین تعارض زناشویی و ابعاد آن در مراجعین زن مرکز خدمات مشاوره ای دانشگاه شهید بهشتی و زنان عادی»، پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)، س ۳، ش ۱۱، ص ۶۷-۶۴.

مؤمنی جاوید، مهرآور و شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۹۰)، «تأثیر روان‌درمانی زوجینی بر کیفیت زندگی زوجین آسیب‌دیده از خیانت‌های زناشویی در تهران»، پژوهش و سلامت، س ۱، ش ۱، ص ۵۳-۶۳.

- Allen, E. S., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., Markman, H. J., Williams, T., Melton, J. and Clements, M. L. (2008), Premarital Precursors of Marital Infidelity. *Family Process*, 47: 243-259.
- Amato, P. R., hohman-marriott, B. (2007). "A comparison of high and low distress mariages that end in divorce", *Journal of marriage and family*, 62, 621-638.
- Bagarozzi, D. A., & Sperry, L. (2012). "Couples Assessment Strategy and Inventories", *Assessment of Couples and Families*, 18, 12-25.
- Birditt, K. S., Brown, E., Orbuch, T. L. and McIlvane, J. M. (2010), "Marital Conflict Behaviors and Implications for Divorce Over 16 Years", *Journal of Marriage and Family*, 72: 1188-1204.
- Choi, H. and Marks, N. F. (2013), "Marital Quality, Socioeconomic Status, and Physical Health", *Journal of Marriage and Family*, 75: 903-919.
- Corcoran, K., & fischer, J. (2000), *Measures for clinical practice: a sourcebook* (vol, 1), newYork, NY: the free press.
- Coyne, J., tompson, R. & Palmer, S. (2002), "Marital quality, coping with conflict , marital complains and affection in couples with depressed wife", *journal of family psychology*, 16(1), 26-37.
- Cummings, E. M. and Davies, P. T. (2002), "Effects of marital conflict on children: recent advances and emerging themes in process-oriented research", *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 43: 31-63.
- Doss, B., simpson, L. & christensen, A. (2004), Why do couple seek marital therapy?, *professional psychology: research and practice*, 35(6), 608-614.
- Drigotas, S. M., Safstrom, A., & Gentilia, T. (1999), "An investment model prediction of dating infidelity", *Journal of Personality and Social Psychology*, 77, 509-524.
- John, S. P. (2002), *Marital quality of women spouses of men working abroad: implication for counselling*, unpublished dissertation, Mahatma Gandhi University, School of Behavioural Sciences, Kottayam: india.

- Halford, W. K. (2001), *Brief therapy for couples: Helping partners help themselves*, New York: Guilford Press.
- Hanington, L., Heron, J., Stein, A. and Ramchandani, P. (2011), "Parental depression and child outcomes – is marital conflict the missing link?", *Child: Care, Health and Development*, 38: 520–529.
- Hanson, J. and Narula, U. (1990), *New Communication Technologies In Developing Countries* Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Gerard, J. A. & buehler, C. (2003), Marital conflict: parent-child relations and youth maladjustment, *family process*, 38(1), 105-116.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (1998), *Counseling today's families*. New York: Borook cook.
- Kew-Cheung, S. (1996), "Cognitive-Behavioral therapy for marital conflict", *Journal of Family Therapy Journal of family psychology*, 20, 2, 256-265.
- Momeni Javid, M., SHoaakazemi, M., Ebrahimi Tazekand F. and Bahmanid, N. (2012), "The Effect of Interpersonal Therapy on Reducing Negative Feelings, the Degree of Forgiveness and Restoring Confidence among Women Afflicted with Marital Infidelity", *Life Science Journal*, 9(4): 5675-5679.
- Park, M. and Unützer, J. (2014), Hundred forty eight more days with depression: the association between marital conflict and depression-free days. *Int. J. Geriat. Psychiatry*. doi: 10.1002/gps.4107.
- Platt RAL, Nalbone DP, Casanova Gm, Wetchler JL. Parental conflict and identity as predictors of adult children's attachment style and infidelity, *Am J Fam Ther* 2008; 36:149–61.
- Ruza, I., & Ruza, A. (2012), "Causal explanation for infidelity of Latvian residents in dating and marital relationships", *Journal of Family Psychology*, 28(1), 236-242.
- Schunrman-Crook, A. M. (2001), *Marital quality in dual- earner couples: Impact of role overload and coping resources*. Blacks burg.: Virginia Polytechnic Institute and State University.
- Suls, J. & bunde, J. (2005), Anger, anxiety and depression as risk factors for cardiovascular disease: the problems and implications of overlapping affective dispositions, *psychological bulletin*, 131(2), 260-300.
http://www.tebyan-zn.ir/News-Article/Religion_Thoughts/2012/9/30/79160.html
- Whatley, M. (2006), *Attitudes toward Infidelity Scale*, Department of Psychology, Valdosta State University.
- Young, M. E., & Long, L. L. (1997), *Counseling and therapy for couples*. CA: Brook/cole publishing company.
- Yu, T., Pettit, G. S., Lansford, J. E., Dodge, K. A. and Bates, J. E. (2010), "The Interactive Effects of Marital Conflict and Divorce on Parent – Adult Children's Relationships", *Journal of Marriage and Family*, 72: 282–292.